

THE LIBRARY OF  
CONGRESS  
SERIAL RECORD  
OCT 21 1944  
Order Number

### پیشرفت شوروی

ادامه داشته و چندین شهر تصرف آنها در آمده است  
بجز در جبهه شوروی ساعت بساعت شدیدتر میشود  
متفقین در تونس از پیشرفت محور جلوگیری کرده اند  
"سلب قدرت از نه میلیون آلمانی"

## حکم استالین

این ارتش در عرض سه ماه نیروی  
دشن را از اراضی دوزخ و استالینگراد  
در نواحی (چپونین گوش) و شمال -  
استیلان و کاباردا بالکار و جمهوری خود  
مختار کالموک و نواحی استارو پول و  
و کراسنودار و نواحی خود مختار چرسک  
(و کارایف) و انچی و تقریباً از  
تمام نواحی رست و خارکف و کورسک  
عقب راند -  
اکنون دوره اخراج دست جمعی  
نیروهای دشمن از خاک شوروی آغاز گشته  
است در تبادل نیروهای طرفین در جبهه  
شوروی و آلمان تیریری رخ داده روزگار  
تیر با آلمان فاشیست از در مخالف  
در آمده است آلمان هینتری تا  
ایام اخیر از لحاظ ساز و برگ فنی -  
پیشرفته

مسکو خبرگزاری انگلیس اطلاع  
میدهد بنسبت تصادف با بیست و پنجین  
سال تشکیل ارتش سرخ استالین فرمانده  
کل نیروهای شوروی حکمی شرح زیر  
انتشار داد:  
روز یست و سوم فوریه که دست  
های ارتش سرخ نیروی مهاجم  
آلمانی را در (پسک) و (تلوا)  
تاز و مار کردند روز ایجاد ارتش سرخ  
نامه شد ارتش سرخ ارتش دفاعی است این  
ارتش برای تسخیر کشور های ملل دیگر بوجود  
تیاست است بلکه وظیفه دار است از مرزهای  
اراضی شوروی دفاع کند در ماه ژوئن  
۱۹۴۱ آلمان هینتری حمله غارتنا بر  
کشور ما نمود  
از آن موقع بپید ارتش سرخ مبدل  
یارتش متقم گردید اکنون که دوره  
قطعی جنگ برای ابلات بین ترا رسیده  
ارتش سرخ وارد یست و پنجین سال  
مرحله ایجاد خویش میگردد نظریا اینکه  
در اروپا جبهه دومی وجود ندارد ارتش  
سرخ تمام بار جنگ را تنها برهنه گرفته  
است

### گشت بهاره

بهران عظیمی که از لحاظ خوار بار امروز دانستگیر توده ایران شده  
بیش از پیش نظر ما را بدین نکته مهم جلب کرده است که تا کون دولتها  
راجع به گشت بهاره چه اقداماتی کرده اند و دولت جدید چه تصمیماتی اتخاذ  
خواهد نمود  
سال گذشته موضوع گشت بهاره بملت احتیاج مبرم کشور به خواربار  
بدین ترتیب حل شد که با بهایی گراف بلر بهاره از طرف دولت تهیه و بین  
مالکین تقسیم گردید در باب باز اسامیل دولت برجت موفق بتحصیل محصول  
گردید و جهت گشت بهاره آینده تعیین داده شد  
اهمیت گشت بهاره در سال آینده از لحاظ اوضاع وقت باز خوار بار  
بسیار واضح است بخصوص که بسیاری از زمینهای زراعی در پایتخت گشته بملت  
نداشتن بلر بایر مانده اند و فقط گشت بهاره ممکن است جبران آیین خسارت  
بزرگ را شاید

### آیار است است؟

..... که با وجود صراحت کامل و عمومیت غیر قابل  
انکار قانون دو ماه مساعده که با هزار سلام و صلوات از مجلس  
گذشت حسابداری و وزارت دارائی هنوز مساعده بعضی از کارمندان  
تخصیل کرده وزارت دارائی را نبرداخته و بانکته سنجی بی غرضانه ای  
با این گونه کارمندان هواره مخالفت مینماید  
..... که در اثر تحقیقات بازرسان مخصوص نخست وزیر  
شش هزار پرونده تاجر و کاسب متحرک در اداره متع احتکار  
کشف شده است  
..... که بلبل نگفتی تا کتون تعقیب متحرکین معوق مانده  
و موجب تشویق متحرکین و ترقی قیمت اجناس گردیده است  
..... که برای پوشانیدن اسرار غیبی متحرکین دستبازان  
شراقتند و مقدر آن ها بالاخره برای اصلاح بازرسی نخست وزیر  
بشبنباتی مشغول شده اند که ممکن است بموفقیت منجر گردد  
..... که یکی از روسای شعبات آگاهی موسوم با میر قهاری  
بمناسبت شرکت و همدستی باجیب برها از طرف دیوان کیفر باز  
داشت شده است

بخصوص با در نظر گرفتن اینکه  
گشت بهاره میتواند ثلث خواربار کشور را  
تأمین کند میتوان بدقت جریان گذشته  
را مورد انتقاد قرار داد و پرسید که بجه  
مناسبت مصوبه برجت بدست آمده و  
بایستی بصرف گشت بهاره آینده برسد  
در معرض فروش واقع شده است  
ملی شومی که دولت گذشته دستور  
فروش بند بهاره را داده و اینک فستی  
از آن فروش رسیده است حال حق  
نداریم که بنام توده گرسنه کشور که در  
معرض فستی شدیدی واقع است جریان  
مزبور را مورد دقت قرار دهیم  
آقای سبلی که در سرلوحه برنامه  
خود بهبودی اوضاع خواربار کشور را  
قرار داده و خود در تپه گشت بهاره سال  
گذشته ذیدخل بوده اند جا دارد که اولاً  
از فروش بقیه بند بهاره اسامیل جلوگیری  
بیل آورند و با دقت و کوششی مرچه  
تامتیر جبران خط گذشته را بنمایند  
چیزی که در این موقع بهران آیین  
باعت تعجب است اینست که بی از روی  
کار آمدن دولت جدید تا کتون وزارت  
کشاورزی که بایستی شته مالی اساسی  
تعقیب کند بی وزیر مامده و اصفا این  
وزارتخانه بلامتکلیف و کارها پیش از پیش  
معوق مانده است  
دفاعی که اکنون باسخنی و مرارت  
میکنند در عین حال بسیار فستی است  
عدم استفاده از زمان و تطل در کارها  
بازی کردن با جان ملیونها توده بیچاره  
این کشور و حیانت و انجاص و وظائف محوله است  
امروز ماضی که در سخی و تنگی زندگی  
میکنیم که سال گذشته گشت بهاره هم  
داخت ایم لذا میتوان امروز منظره سال  
آینده را بدین نظر داشت گشت بهاره  
در نظر مجسم نمود  
تأمین خواربار که در سر لوحه برنامه  
دولت است بجه طریق کم و بیش مهم  
انجام پذیر خواهد بود

### اخبار کشور

در چله هشتاد دولت  
دیروز ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر  
چله هیئت دولت در کاخ ایمن تشکیل و  
بیشتر مذاکرات در اطراف بسکار بردن  
یک سلسله اقدامات فوری برای تهیه خوار  
بار و جلوگیری از تعطیلی بوده است  
مذاکرات تا ساعت ۹ و نیم بعد از ظهر  
ادامه داشته است

قد و شکر ماه اسفند  
اداره جیره بندی قند و شکر بواسطه  
کم بودن مقدار موجودی قند و شکر در  
نظر دارد سهپه قند و شکر اسفند ماه  
را کم کند بهمین جهت پیشنهادی تهیه شده  
سکه به هیئت دولت تقدیم خواهد شد

رسیدگی بامور  
دیروز پیش از ظهر آقای نخست وزیر  
در کاخ ایمن حضور داشته و بکارها  
رسیدگی نمود سوئد ۱۰ گویا در حدود  
۱۵۰۰ تن گند در گرگان برای حمل  
بهران آمده است و دستور ارسال آن  
از طرف آقای نخست وزیر داده شده است  
توقیف عده ای از کارمندان  
آگاهی شهر بانی  
بوجب خیر و امله چند نفر از کارمندان  
اداره آگاهی شهر بانی برای همدستی با  
جیب برهاتوقیف شده اند  
اینست سببیکه بیست سال است  
بر ما حکومت کرده و میکند  
رهبر  
بقیه در صفحه ۴

### سخنان بزرگ

و اغلب مصائبی که از لحاظ سیاسی و اجتماعی متحمل می  
شوید تا تابع اراده خود شباست فقط تصمیم بگیرید و بخود شجاعت  
تعییر آنها را بدهید شما می توانید بطرفی دیگر و بشیوه ای  
عاقلانانه توزیست کنید اگر خود در اندیشه ایجاد چنان حیاتی باشید  
شما خود از نیروی خویش آگاه نیستید

از نادانی و سستی رای است اگر کسی تصور کند که اساس  
رژیم سوسیالیسم تنگدستی و نه اداری عموم مردم است و نیز از نادانی  
است اگر کسی تصور کند که در جامعه ما روزیم ما از احتیاجات  
فردی کاسته خواهد شد و سطح زندگی همگان با سطح زندگی  
اشخاص تنگدست و نذر برابر خواهد گردید در سوسیالیسم  
نه فقط از احتیاجات فردی نمی کاهند بلکه بر آن می افزایند و  
آن را با اعلای درجه خود میرسانند در رژیم ما جامعه مانده فقط کوشش  
نمی شود که سطح زندگی همگان با سطح زندگی تنگدستان  
برابر نشود بلکه کوشش میشود که همه نیازمندیهای بشری بحد  
تام و تمام آن ارضاء گردد

ادراکات و افکار انسان توضیح دهنده شرایط حیاتی افراد  
نیست بلکه بعکس شرایط حیاتی افراد توضیح دهنده ادراکات و  
افکار انسان می باشد

(کارل مارکس در کتاب مقاله در انتقاد از علم اقتصاد)  
«تجربه موثر ترین عامل ادراکات ماست»  
(جون لوك - تحقیق در باره قوه میزبه بشری)  
«حرف کسیکه قوی تر است هیئت پیش است»  
(لافوتین - حکایات)  
«مابین بزرگد چون شد مسئله سرحد»  
زین بندمالک را بنی ناصله باید کرد»  
(فرخی یزدی)  
«موازی باهر تغییر مادی و جسمی يك تحول روحی و فکری نیز ایجاد میشود»  
(کارل مارکس)

### شاهکارهای روزنامه رهبر

ما روزنامه رهبر را برای سیک خوب  
و هدف عالی آن دوست میداریم از  
خواندن مقالات آن لذت میبریم ولی این  
مانع از آن نیست که اگر گاه گاه در  
صفحه ۳ درج شده بود نوشته شده بود  
مازور «هانک کانگ» حاجی اقتصاد (ا)  
را زده است و حال آنکه هانک کانگ  
بندری است در چین و او نمیتواند حاجی  
اقتصاد را بزهد و ما نمی دانستیم که علم  
اقتصاد حاجی است پس قاعدتاً باید مشتی  
فیزیک و کربلائی فلسفه هم وجود داشت  
باشد بعد معلوم شد که خبر اصلی اینست  
«ملازم کاک ایطی» را در اداره اقتصاد  
عراق زده است نوشته شده بود یک  
شبه دوازده اسفندماه مطابق شنه (۱)  
۲۱ فوریه و این خود کشف بزرگی بود  
که معلوم شد کاشته ما ایرانی هاست این شنه  
فرنگی است از این قرار مانی ندارد که  
بقیه در صفحه ۴

آگهی  
از کلیه آقایانیکه تا حال  
تقاضای اشتراك روز نامه رهبر  
را نموده اند و تا حال روزنامه  
مرتب نرسیده تقاضا میشود که  
آدرس صحیح خود را باین اداره  
اطلاع دهند و ضمناً شماره هائی  
که نرسیده معلوم دارند تا هم  
شماره های کسری و هم روز  
نامه مرتباً فرستاده شود رهبر

### سیاسی

شگفت تبلیغات  
آنها که سالتها میکنند  
از دهله نوب بیرون میآید لاخرمدر  
نابل اراده ملل شیفته آزادی مواج با  
عین «حق» شده و زودی دریافتند  
که تازه با همین منطق نیز محکوم بشنا  
هستند  
اما بزرگی چنین بر میآید که همان  
اشخاصی و اشخاصی که توشان در مقابل  
اراده ملل بزرگ و آزادیخواه مردم شکسته  
میشود، متوجه نوك قلم شده و بمقدان  
«قلم ششیر برهنه است» میخوانند  
نظریات سوء خود را بدینوسیله بدیناصیل  
کنند چندیست که گویند و بنا بدستوروی  
دستگاه های تبلیغاتی معوز از «خط  
بشوشوم» صحبت میکنند گشایش این  
صفحه از مدتها قبل پیش بینی میشد زیرا  
آنهایکه بشکست قلمی فاشیسم مطبوع  
بودند میدانستند که روزی محور برای  
جدالی متفقین بصلات «ایدالوزی» خواهد  
پرداخت  
اهمیت پیمانهای جنگی و قرار داد  
بقیه در صفحه ۴

کشور باقیم  
۳ - مبارزه بر علیه اخراج خواربار  
از کشور توسط دلالان مرک زیرا ممکن  
است اشخاص غربی «د» را که قوت  
مردم را در اینبارها احتکار میکنند بوساطت  
خواربار از مرز گذارند این استفاده حلال  
«د» را از اینراه کسب کنند  
لذا میتوان دریافت که در خلال طوق  
نوع مسئله گشت بهاره ناچه اندازه اهمیت  
خواهد داشت

۱ - مبارزه شدید بر علیه متحرکین  
و شکستن انبارهای آنان باید دانست  
که بزرگترین عامل بدبختی و گرسنگی  
توده همین اشخاص منفعت طلب و از خود  
راضی هستند البته ابتکار بایستی مانند  
دوره گذشته با خون سردی «د» دنبال  
شود  
۲ - کمک متفقین از لحاظ خواربار  
لیکن باید دانست که در دوره بهران آیین  
دنیای کونی تنها انتظار از دیگران بیهوده  
است مانعوبایستی بیشتر در فکر محصولات  
آینده و بیبودی اوضاع کشاورزی در داخله

نامه های کارگران (نتیجه یک عمر زحمت)

آقای مدیر محترم نامه رهبر
دیروز خبری رسید که یکی از کارگران قست نیکوین (کارخانه انصار دختایب بنام رضا نیک نواد) پس از ۱۷ روز بخری بودن در اثر مرض مملک حبه که امروز دانسیگر طبقه کارگران شده است فوت نمود پس از شنیدن این خبر ناگوار می اندازم متأسر و بالاخره فرار بر این شده که چند نفر از رفقا بنزول آن بدبخت رهسپار شوم که هم بوظیفه خوش انجام داده ایم وهم بیدارندیده او نسلت گشته باشیم در پی راه کانون شانواده را در نظر مجسم میساختم و خانه کارگری را میدیدم که دراعمال کشورهای دنیا برای کارگران ساخته شده و بقیبت جزا برای آنها واگذار می شود و یا لا اقل دو اطاق در تحت اختیار دارد که در آن زندگی میکند و در یکی از آنها روی تخت خواب نظیف خوابیده است ولی منافقانه اینطور که من خیال میکردم نبود بلکه پس از عبور از خیابان جلیل آباد بدان/شیب قاری داخل شدم که روی دیوار اطاق داشت و از بسکه تارک بود به دیوارهای آن متصل شدم تا ما را به درب کوچک و شکسته هدایت کرد این حیاط که نسبتاً بزرگ بود بقول یکی از رفقا مانند خرابه های مداین شاید هم از آن تاریخ باقی مانده باشد و بکوتی غلغله یکی از اصحابان بوده است امروز خانه های ۱۵ خانوار کارگران تبدیل گشته است بعضی ورود حیاط های آن تمن آب انبار که روی آن پوشیده نبود و در وسط حیاط قرار داشت مشام مارا زد و در آنجا میدیدم که بلی خانه آن بدبخت کارگر میخواست پس از عبور از پیاده رو که بنیادش از گل و کثافت بود بدیوار اطالی رسیدیم که در اثر بارنه کپها و شاید زمین لرزه های مبد قدیم آجرهای آن ریخته و به های آن تبدیل به تپه خاک شده بود بالا رفتیم بدرب شکسته و آویزان رسیدیم که خدا میداند یکوقت چه رنگی داشته است فراموش نشود که بعضی ورود به حیاط صدای ناله و شیون بلند بود و رفته رفته جان خراش میگشت و اینها همسایه هاو بلکه هنرمتهای آن بدبخت بودند که ناله میکردند که برای معیشتی که بان خانواده وارد آمده گریه میکردند بلکه بعضی که در اثر فشار زندگی نیست به این طبقه کارگر که مسول است و فرزندامگیر خود آنها نیز خوانده شد اشک میریختند و دلسوزی میکردند ...
در وسط اطاق بیخشیده کله یا لانه مرغ تخمخواب شکسته قرار داشت و روی آن جوان ۲۵-۲۷ ساله با تعالی مندرسی بغرباب آید رفته و چشم از این زندگی طاعت نما کشیده بود اطرافیان او که عیارت بودند از زن جوان و مادر زن پیر و بیچه های خردسال مسجون و پانز داغ دیده و وثقای کارگر و همسایه های دیگر مشغول اشک ریختن بودند ...
پدرش میگفت رفقا! رضا مکایک پس از ۱۵ سال زحمت و مشقت و استقامت سم های مملک (از قبیل نیکوین و غیره) امروز مرد ...
امروز دیگر شما رضا مکایک را نداری او رفت او در زندگی جزو یک زن و دو بیچه چیزی ندارد ... مرگ قانون طبیعت است ولی بوضع خود و همچنین جقدر شرم آور است که کسی پس از ۱۵ سال خدمت صنایع کشور و پس از تحمل مشقات زیاد که مخصوص طبقه کارگر است در خانه جان سپارد که در آن خانه کتیا بیست تومان امانه موجود باشد و خانه ای که نیمه زحمت چندین ساله اوست و بالاخره در خانه ای که از دیوار آن یا آب میریزد و یا عسکوت تاریسته و باز بوی نمف آن بیننده را سرگیجی آورد ... او مرد و بهزاران کارگر دیگر که در همین کله خرابه ها جان سپرده اند ملحق شد ولی آیا نباید شا از مردن او مرشمت بگیریم آیا نباید بپندگی رفت بار خود سر و صورتی بدیده آیا باز سیر و شکستی را دارید پس معلوم

نامه رهبر
مدیر محترم روزنامه رهبر

ازاجاب بیست ساله رضا شاه توده ایرانی را محو نموده و هوطنان روشن فکرما را در زندان و تبعید بدست جلادان خونین و آلتهای جنایتکار خود نابودی ساخت ... این مامورین بار دیگر درسهائی را که از مابندان خود گرفته اند ترمین می نمایند و کسانی را که در راه رفاه حال ملت می کوشند و بر طبقه ارتجاع مبارزه می کنند و جوانان روشن فکر را در کجغ تبید و زندان بسوی نابودی می کشاند ... شاید تصور می کنند که با این اقدامات ممکن است آتش جوارزه ملی را خاموش کنند ... اینجانبان دون از جوانان آذربایجان را پس از ۳ ماه زندان اینک شش ماه است که بحالت تبید و تحت نظر دشمنان نگاه داشته اند معلوم نیست مامورین کپه استبداد از جان ما چه میخواهند ... آبا مقصد معمو جوانان طرفدار آزادی است بدون جرم بدون معاکه بدون سوال و جواب ماوخوانواده ما را محکوم بقا می کنند ما میخواهیم بدانیم که مقصودشان چیست؟ از قرائن بنظر میرسد که برای اداره سیاسی مبارزه بر طبقه اصول کپه استبدادی خوفاوند نیست ... از این لحاظ ما بشما رجوع می کنیم و خواهش جدی داریم که بکارهای سیاسی کتید و آزادی ما دون جوانان آذربایجان و عاقله ما را از این بلاکتی تقاضا نمایند و بدوران بر نوانی ما پایان دهید ... اسرافیل و سلم ...
ما بنیادمان اساساً اداره سیاسی چه وظیفه را انجام میدهد که از عهده اداره آگاهی خارج است ... بموجب قوانین کشور ما بنیاد و حس باید فقط بموجب حکم دادگاه باشد و تخلف از آن جرم محسوب و قابل مجازات است ما انتظار داریم آقای دادستان تهران راجع باین تبید خلاف قانون اقدام ننمایند و باقای دادستان دیوان کیفر نیز اعلام جرم میکنیم تا مامورین مسئول را تعقیب نمایند ... رهبر
است که کاسه سیر شما نیز مانند بازاوان شما از فولاد است ... تا کی کارگر بست شونده شونده تا کی ذلیل و بیچاره باشد همیشه زحمت زیاد مال اوست و مرگ و وحشت آور دلسوز نصیب او نمیکرد ... کارگر در این کشور از ۲۰ الی ۳۰ و منتهی از ۳۵ تجاوز نمیکند چرا ... برای اینکه عمر هر کس بسته به طرز بهداشت اوست که الحداثه آنها برای این طبقه از فریادت است ... پس از مشاهده این منظره وحشت آور توانستم از بریش قطره های اشک که حکایت از دلسوخگی و بدبختی ماطبقه کارگر میکرد خوددارئ نام ... یکی از رفقا میگفت ... من بنیادمان این خانه ای که در (ناری آباد) برای کارگران در نظر گرفته بودند مشغول شده و منظور شد و یکجا رسید چندوقت پیش بنای سلك اول را گذازده بودند بنظرم برای سلك بدش استفاده خوب نیامده ... آن یکی جواب داد ... چه جانم سلك دومی را در خیابان شاهرضا بادر بهلولی بکار گذاشته اند ... خلاصه من گفتم: بابا کسی امروز گوشش باین چیزها بدهکار نیست شما هم وقت پیدا کرده اید مردم نان گیرشان نیاید شما هم از ساختن نهائی نازی آباد می زید ...
آقای مدیر محترم این بود نتیجه یک عمر فدائاری در راه ترقی صنایع کشور این بود نتیجه چند ساله خدمات بد و لاین بود نتیجه اقدامات چند ساله انجمنهای شهر داری ما برای حفظ بهداشت عمومی که در تحت نظر یکعهده (همدرده) اداره میشود هنوز هم می خواهند دست از سوزن ملت داغ دیده بردارند و لا اقل پس از سالها آنها را با خیانت خود و با بار سیر و شکستی را دارید پس معلوم

مبارزه طبقاتی
سخنرانی آقای عبدالحمید نوشین در کلوب حزب نو

بنابر این مبارزه آنها بر ضد طبقات سنگر بسیار سخت تر بود در صورتیکه در دوره شو دالیه زندگی و مرگ سرفها بدست صاحبان زمین نبود ... اربابها قانوناً حق کشتن سرفهای خود را نداشته ... سرفها نمیتوانسته با پرداخت پول آزادی خود را بخرند یعنی از زمین ارباب جدا و آزاد شوند ... همین امتیازات جزئی در مبارزات طبقاتی کمک بزرگی برای آنها بود ... بدینطور سعی یقیمه که در دوره های مختلف تاریخی رفته رفته طبقه بندی اجناس و مبارزات طبقاتی ساده تر میگردد تا در دوره کنونی یعنی دوره بورژوازی یا سرمایه داری «کم کم تمام اجناس به دواردوی بزرگ دشمن بسوی طبقه بزرگ طبقه بورژوازی و طبقه رنجبران» ...
پس بیژیکه بر ما مسلم است اینست که در هر دوره تاریخی بطور کلی دو گروه بزرگ ... دو دست مخالف مرکب از طبقات مشخص همیشه وجود داشته یکی گروه فروانروا - سنگر کارگر - دیگری گروه بلا کش - رنجبر - غارت زده و این دو گروه همیشه با یکدیگر در یک مبارزه طولانی و بدون اقطاع بوده اند ... یکی برای حفظ منافع طبقاتی خود ... دیگری برای ازین بردن امتیازات ناپسند و بی حد و حصر طبقات ممتاز و فرمانروا ...
در اینجا لازم میدانم مختصری از طبقه بندی اجناس در ایران صحبت کنم ... در ایران طبقه بندی اجناس را باید بسوی دوره مشخص تاریخی مجزا نمود دوره پیش از تسلط عرب و دوره تسلط اعراب و پس از آن ...
در ایران هم در زمان پیش اجناس با رژیم پاتر یار کار اداره میشد یعنی در پیش سید هر خانواده یاقوم امور اقتصادی را اداره میکرد و رژیم اجتماعی همان رژیم هند و اروپائی است که در پیش گفته شد ... کم کم تحولات تاریخی اجناس را بطبقات قسمت نمودند و اینک در شاهنشاهی ایران بیان آمد طبقات مشخص بر قرار شده بود ... درواست نام چهار طبقه ذکر شده: طبقه روحانیون - طبقه جنگجویان طبقه زارعین و طبقه تجار و اصناف اما این طبقه زارعین را نباید با رعیتهای مزدور اشتباه کرد ... مقصود از زارعین طبقه ایست که مالک زمین های کوچک زراعتی بودند البته زمین های بزرگ بیادشاهان و شاهزادگان و خانواده های آنها و طبقات ممتاز تعلق داشت ... پس رعایای مزدور با طبقه زارعین تفریق بسیار دارد ... کم کم یک طبقه دیگر باین طبقات اضافه شد که طبقه دیربان باشد ... هر یک از این طبقات باز دارای سلسله مراتب مشخص بود بطور مثال طبقه روحانیون را ذکر می کنیم ... در این طبقه درجه اول روحانیون قرار داشتند که شغل قضات را انجام میدادند آنها را دادور و مسووع آن هزارا دادوران میبنیادند ... بدندان و پس از آنها موبدان قرار داشتند ... همینطور سایر طبقات حسب شغل و امتیاز سلسله مراتب قسمتی میشدند ...
باین حق دخول در طبقات ممتاز و حق زناشوئی با آنها نداشته ... امتیازات سیاسی و اقتصادی مخصوص طبقات ممتاز بود ... در عوض پرداخت مالیاتهای گزاف بیکاری و بندگی از وظائف طبقات پایین

بررسی از تاریخ
از ۱۷ آذر تا ۱ بهمن
آغاز سخن

«موضوع و وظیفه حقیقی تاریخ اینست که اهمیت و حالت اجتماعی انسان را با همزمان «این خلدون»
... از عنوان ما بازی میکند ... اساس و ریشه اجتناع ما را متزلزل میسازد ... نوع بشر را بنظر نیستی تبدیل میکند ... شا آگله و معتزله که ترقی اداری شایا او را دیدار تروتشا تأثیر اساسی در جامعه نخواستند داشت و در غیر از زندگی شخصی شاعری نخواهد کرد در صورتیکه در چه تکامل یک اصلاح صحیح اجناس یک انقلاب بیروزمندانه ترقی صنایع کشاورزی در زندگانی کلیه افراد جامعه ... زندگی که نسلیانی که بد از ما خواهند آمد موثر خواهد بود خلاصه بر حال و آینده اجناس ما استلزام دارد ...
خطرات اجتناع بشر تاریخ بشر است ... من میخواهم شما از خطرات اجناسی خودم را برای شما شرح دهم ... نه تنها شرح دهم بلکه در پیاره آنها تقاضای خودم را نیز بیان نمایم ... بنابر این میخواهم کوفته از تاریخ کشور خودمان را روشن کنم ... یکی از وکلا مدافع معروف و استادان مشهور خودمان در یکی از بهترین محصلت های خودمان با بنظر متفاوت نگاه میکنند ... بعضی از آنها اهمیت میدهند ... آنها را مانند گنجینه گرانبهای از دسترس قبار فراموشی محفوظ میداریم و در هر فرصت آنها را برای دیگران حکایت می کنیم ... در صورتیکه برخی دیگر برای اهمیت میشاریم و دسته دست از آنها را در زیر خاکستر نسیات میپوشانیم و حتی بعضی اوقات از گفتن و بنظر آوردن آنها شرم داریم ... چرا وقتی از یک عمل تاریخی از یک مبارزه ملی ... از یک فدا کاری اجناسی ... از یک انقلاب ... از یک اعتصاب سخن بیان میآید همه با کمال علاقه و اشتیاق از آن صحبت میکنند و با آب و تاب فراوان خطرات خود را بیان مینمایند ... در صورتیکه همگیس راجع باینکه امروز چه خورده است ... یا چگونه خواجه است یا چرا ورزش نکرده است لب از آب نیشکشاید ... چرا و بیجه دلیل ... چرا بین خطرات خود فرق میگذاریم در صورتیکه همه آنها حاصل زندگی روزانه ما و نتیجه فعالیت حواس ما ... سلسله اعتصاب ما و مزمن ما میباشد حتی شاید دومی ما را لحاظ زندگی ... نامشهر ما باشند از یک پیرمرد سؤال کنید ... بنیادمان بر روی چه خورده است ... حتی مرضی که دو سال پیش جان او و حیات عاقله اش را در خطر نیستی افکند بود از یاد برده است ... در صورتیکه وقتی بروب بستن میطلس ... یا ورود مشروطه ... طبایان تهران ... یا قیام ملی بر علیه فراروداد سیاه ۱۹۱۹ و توفیق الدوله و غیره صحبت بیان میاید مثل لبیل برای شما زبان میگردد و بگریز حرف میرسد ... آفتش حرف میرسد که شما از سؤال خودتان هم پشیمان میشوید ... خود من تقریباً تمام خطرات دوره زندگی خویش را از یاد بردادم ... در صورتیکه هنوز صدای توبهائی گدائی که در نیه شب ۳ آفتند ۱۲۹۹ آرامش باینخت را بر هم زد در خاطر من است و هنوز قزمزی لکه خونی که صبح آرزوی روی دیوار مقابل کیسار یا دیده ام از نظرم فراموش نشود ... چرا و بیجه و دلیل ...
برای اینکه این دست از خطرات ما اجناسی هستند ... تاریخی هستند مربوط به تمام جامعه است ... تنها فرد ما ... برای اینکه این خطرات مربوط بر زندگی اجناسی کشور ماست ... در زندگی همه ما کم و بیش تأثیر داشته و اغلب ما در آن حرکت داشته ایم ... برای اینکه اجناس بالا تر از فرد است ... زندگی اجناسی و مشقتات آن ... بر زندگی فردی برتری دارد ... شما با وفات فرد یک کرده اید که یک مرض فرقد رسن است ... ما هم که این خطرات داریم در اجرای تقاضای مشروع این کارگران تصمیم فوری و موثر اتخاذ نمودن نان نیندیده اغلب اوقات گرسنه

دیده میشود

رهبر

رهبر

رهبر

# پنج‌گانه سفر

بروک طوی

اما برای مازندانیان سیاسی کار باین آسانی نبود. اولاً تا هنگامی که ما در کربلای زنده ماندیم وقت بودیم، با هیچکس ارتباطی نداشتیم که بوسیله آن بتوانیم و سالی برای مشغولیت خود پیدا کنیم. از این گذشته آژانها را بعد از ما نرسانده بودند که با دریافت حق الوضعه گراف بروت کافه‌های ما را بپتول میبردند. از این گذشته غذا ما و لباسی که از خانه برای ما می‌آوردند، سخت تقش میشد و کوچکترین تکه کاغذ روزنامه را نیز با نرسانده.

« پرونده تخم مرغ » - ۱ - ط هنوز در اداره سیاسی هست. برای این جوان از مازندانیان تخم مرغ رنگ کرده آورده بودند و رنگ آمیزی تخم مرغ ما بنظر رئیس زندان زنده آمده است. ط رام استعطاق کرد و با اداره سیاسی فرستاد. تصور کنید مطلب چقدر بی ننگ بود که جلاد کوتاه قد اداره سیاسی نیز برایش زندان نخبید. بسلام هر روز شنبه همین سلولهای ما را تقش میکردند. بنا براین هر دو سه ماه اول زندان ما هیچ وسیله ای با خارج نداشتیم. و چاره ای نبود جز آنکه باصنایه داریم خود را مشغول کنیم.

در نتیجه بیکاری و اجبار باشتغال فکری قوه مشاهده عینی در بسیاری از زندانیان سیاسی که اهل فکر و مطالعه بودند، ایجاد شده بود. آدم می‌توانست مدت مدیدی فکر بخصوصی را تعقیب کند و مدتها با خود به جر و بحث پردازد و نتیجه قطعی بگیرد. بسیاری از زیباییهای زندگی که در مواقع عادی اغلب مردم متوجه آن نمیشوند، در زندان بر ما مشکوف شد. یاد میاید دیروزهای اول زندان برای من از منزل توت فرنگی و بعداً انگور آوردن من مدتها میتوانستم بنشینم و حبه های انگور را که در کیلاس آبی انداخته و بالنتیجه درشت تر و درخشان تر شده بود، تماشا کنم. سلطنت روی لبه درمستراح می نشستم و از پنجره آهنگی به چند تا گل که در حیاط گوشه ای میروید، نگاه میکردم و از آن کیف میبردیم. روزهای اول بیکای تو ساعت خود را با جواب کبریت مشغول میکردیم. با آنها شکل های هندسی غریب و عجیبی میساختیم. یکی از زندانیان سیاسی جدیدی در این فن مهارت پیدا کرده بود که میتوانست با جواب کبریت عکس هنظر و نایلون را بکشد. یکی دیگر از کربلای نو با کبریت رنگ، یعنی از دو پنجره ای که در دو طرف حیاط قرار گرفته بودند تا علامت دست با هم شطرنج بازی میکردند. من خود با پوست برتقال و دستمالی که تارو پوست های آنرا در آورده شطرنجی شکل کرده و با تکه ذغالی سیاه نموده بودم. مهره و صفحه شطرنج درست کرده بودم. رفیق دیگری که در سلول مقابل من بود نیز همین کار را کرده بود و ما با هم شطرنج بازی میکردیم. گاهی نیز من خود با خود بازی میکردم. موسی که با رفیق دیگری بازی میکردم، اگر آژان دور از سلول ما بود مثلاً فریاد میکردم «آژان» یا «ب» و اگر آژان در سلول من بود حرف و عدد را با علامت دست بهم میگویم. در کربلای نو افزایش یافتی زندانیان می خواهند به مستراح بروند، در میزنند و در جواب آژان که «کی» زندانی نباید اسم خود را بگوید، فقط باید نمره اطلاع خود را ذکر کند. زیرا زندانیان دیگر نباید بپندند که در سلولها چه کسانی اسیر هستند.

مشکلی که ما نمره ای را صدا میزدیم، از آن خیال می که فلان نمره تقاضای رفع حاجت داد و نمره ای میگفت: «مستراح آدم است» و این خود نیز برای ما تفریح شده بود.

پس از دوسه هفته من از پنجره بالای مستراح بکنفر را دیدم که کتاب حافظ در دستش است. از مدیر زندان تقاضا کردم که بن کتاب بدهد. نهاد یک شب نیمه شب با یاور کشیک مرا بیدار کرد و پنج تومان پولی را که از خارج برای من آورده بودند، بن تحویل داد و در دفتر از من رسید گرفت. من تعجب کردم که چقدر این مامور جدی است. بعداً فهمیدم که این مامور با شهامت و زورف که من فصلی از کتاب خود را وقت او نموده ام، علاقه است یک یک از اعضایی را که از منزل برایشان پول میاید، بشناسد. بالاخره از او فهمیدم که آژان منزل برای من کتاب حافظ آورده اند و مدیر زندان مخالفت کرده و نمره ده با دو تومان این کتاب حافظ را از یاور نگهبانی در آوردم. در عرض هفت روز پانزده مرتبه حافظ را از آغاز تا پایان خواندم و پانزده جلد آنرا از حفظ یاد گرفتم. هیچوقت فراموش نخواهد شد.

اولین بار که در سلول کربلای چهار حافظ را باز کردم، این شعر خواندم:

« بوی آبی که در میکدهما نگشاید  
گره از کار فروخته ما بکشاید »

من البته با نظری که دیگران در اینگونه مواقع باینگونه شعرها نمیکنند آنرا نقلی نکردم. اما چه خوشبخت بود حافظ که طیفه حاکمه دوره خود را آنطور بیکه ما و من طبقه دور خود را می شناسیم، نس شناخت.

# در پیش زندگی

از ماکسیم گورکی

ترجمه ع. نوشین

در پیش چهره جدی زندگی دومرد ایستاد و هر دو ازو ناراضی بودند.

زندگی برسد: از من چه توقع دارید؟

بکسی از آنها با صدای خسته جواب داد:

« من از تیر خسی مضامین بپوسته آدمی باغی شده ام، عقل من از درک تمیزی هستی عاجز میماند، و روح من بیش تو در تار و پود شک و تردید گشت و پامیزنه و چندان من بین میگوید که بشر بهترین مخلوق زندگی است ولی با وجود این من زنجیر میباشم.

زندگی، بدون مکر و تزویر برسد برای چه؟

برای سعادت! اما برای رسیدن بآن تو باید دو تضاد اصلی ای که در روح من وجود دارد با هم آشتی دهی. یکی آنچه «من میخواهم» دیگری آنچه برای تو «وظیفه هست».

زندگی باخوبت جواب داد:

« بخواه آنچه برای من وظیفه هست. - مرد گفت من میخواهم اسیر تو باشم. - من میخواهم فرمانروای زندگی باشم. و بر عکس کبر من دروز زنجیر های قوانین تو خم شده است - چرا؟ - مرد دیگر که در پیش زندگی ایستاده بود برایش گفت: سباده نجراف بزن اولی بدون آنکه برایش اعتنا کند ادامه داد:

« من میخواهم بیل خودم آزادی زندگی داشته باشم. من میخواهم در اجتماع مانند سنگی باشم که اجتماع آنرا هر جا میخواهد بگذارد مثلاً در بی دیوار زندانها من بترسم، من روح و نظرم زندگی هستم.»

من باید آزاد باشم!

زندگی با بیعتی جدی باو گفت:

صبر کن! تو خیلی حرف میزنی و هر چه میخواهی بگویی من از پیش میدانم تو میخواهی آزاد باشی، چه بهتر باش ایمن مبارزه کن! مرا شکست بده و فرمانروای من شو، آنوقت من بیده تو خواهم بود. میدانی؟ من زیاد مشغول نیستم و به آسانی به فاتحین تسلیم میشوم... اما باید مرا شکست داد... آیمتند هستی که برای آزادی باش مبارزه کنی، جواب بده! آیتان فتح و قیروزی هستی و بنیروی خود ایمن داری...؟

مرد با شرف و اندوه زیاد جواب داد: - تو مرا بر ضد خودم مبارزه تحریک کردی، تو عقل مرا مانند یک خنجر تیز و برآ کردی و آن خنجر بروح من فرو رفت و آنرا بوی نیه کرد.

رفیقش باو گفت: چندی تر حرف بزن که بوزاری بکن.

زندگی گفت بگویم وقتی از سعادت حرف میزنی آیمتوهای آنرا بپر قیستی هست بدست یابوری و یا آنکه خواهش داری مانند صدف آرایتو بدهند؟

مرد با صدای خفه جواب داد: من خواهش دارم.

زندگی گفت: تو بیا بوزاری و مانند گدایی که به گدائی عادت کرده خواهش میکنی. باید بدانی که زندگی به کسی عطیه و صدف نمیدهد. ۰۰۰ مرد آزاد خواهش بخشش از من ندارد بلکه هر چه میخواهد با بیروی خود بدست میآورد... اما تو فقط بآرزو ها و آیمال خودت هستی. مرد آزاد کیست که نیروی آنرا داشته باشد که از سایر آیمال و خواهشهای طبع خود بگذرد و برای بدست آوردن سعادت همه را فدا کند.

فهمیدی؟ از جلو چشم دور شو! آسیر فقیه و مانند یک سگ بیای زندگی افتاد تا از سه مانده سفره طعام او لقمه ای بپراختی بخورد.

آنوقت چشمتی پیرنگ زندگی بروی مرد دیگر افتاد. چهره آژان در سخی چشمه و جذب و مهربان بود.

تو چه میخواهی؟ چه خواهشی داری؟

من خواهشی ندارم. من اسیر دارم!

چه امری؟

عدالت کجاست؟ آنرا بن بده ا همه چیز دیگر را من خودم خواهم گرفت. عدالت فقط عدالت برای من لازم است. من بسیار صبر کرده ام. با حوصله زیاد، با بدبختی، ناراحتی و در تار و پود تابحال صبر کردم... اما دیگر بس است. وقت آن رسیده است که منم زندگی کنم!

عدالت کجاست؟

زندگی جواب داد: برو آرایت بدست بیاور!

مرد براه افتاد.

پایان

# نظری به کشور شوروی

مادران و کودکان

(۱)

یکی از مشخصات خاص کشور شوروی عبارتست از ایجاد آسایش خانهها برای کارگران - این آسایش خانه ها در ویلاقت و در وسیعترین قصرها و ویلاها تشکیل شده است. با آنکه مؤسسات مذکور تحت مراقبت یک دست از ابطارار دارمذکک همبریش خانه است - ساناتوریا - هر کارگری که کم خون شود و نوازی خود را از دست بدهد فقط در اثر تقاضای که به سندیکا میفرستد مجانبان آسایش خانه ها فرستاده میشود.

این آسایش خانهها همیشه در گرداگرد خوش دارای بارک های وسیعی است که آبها و سایر بازیهای گوناگون فراهم میباشد عموماً در آسایش خانههای مذکور اسباب رفاه و استراحت فراهم و زندگانی اجتماعی خیلی مرتب است.

یکی از مؤسساتی که باید مخصوصاً مورد تفک فرار گیرد « اداره رفاهیت مادران و کودکان » است که از تعلقات کسبیرای بهداشتی عمومی میباشد. با آنکه این اداره بیشتر از دو سال نیست که تاسیس شده مذلکک تا بحال حاصله از آن خیلی قابل توجه است.

در ۱۹۲۲ قانسون خاصی راجع بر رفاهیت مادران و کودکان بر قانون مدنی افزوده شد. طبق قانون جدید هیچ طفل ناشروع که معروم از مزایای قانون باشد. وجود ندارد و مادری که فرزندش در غیر مورد ازدواج بدنی می آید میتواند از عسارن مزایایی که مادر قانونی دارد برخوردار شود.

قانون مذکور مقرر میدارد که هر زنی که نزدیک است مادر شود باید بر حسب مزاجش شش یا هشت هفته قبل و بعد از تولد طفل از کار کناره گیری نماید. در مدت مذکور دستزد مادر همچنان برداشته میشود و هر گاه خودش عهده دار تندی طفل باشد تا ه ماه یک مبلغ اضافی نیز در باره او مقرر میگردد تا صرف خوراک خویش نماید. وقتی که مادر نو باره کار میرد از جن دارد پس از هر سه ساعت نیساعت در برستاری و شیر دادن کودک خویش صرف نماید.

قانون اجازه نمیدهد که مادری که کار میکند طفل خود را قبل از اینکه بهفت سالگی برسد در خانه بگذارد و یا تحت سرپرستی همسایگان قرار دهد. مادر باید طفل خود را در شیرخوارگاه کارخانه یا موسسه ای که در آنجا کار میکند بگذارد.

هنگامی که پیشتر خوارگاه وارد شد او را ششسو میدهند و لباس های شیرخوارگاه بار میوشانند.

کودکانی که زیاد کوچک هستند روز صبح و بعد از ظهر در مدت مینتی دو رختخواب استراحت مینمایند و در سایر اوقات بازیها و بازیچه ها طبق اسلوب «من نسوری» مشغول میشوند. بچه های بزرگتر را بکودکستان میبرند. کینه رفاهیت کودکان مراقبت مینمایند که مقررات کاملاً مراعات شود.

« اداره مادران و کودکان » از « کینه رفاهیت اجتماعی » که در زمان انقلاب بوسیله سندیکا ها تشکیل شد برای تشکیلات اجتماعی زندگانی کارگران استفاده بسیار نموده است.

کینههای مذکور از طرف کارگران کارخانه یا ناحیه منحنی انتصاب میشوند تحت نظر کسبیرای بهداشتی عمومی از خودشان اعضای صلاحیت داری را انتخاب مینمایند که کینه اداری را تشکیل میدهند و موظف اند که رفاهیت مادران و کودکان کارگرانی را که زندگانه آنها هستند مراقبت نمایند. اداره مذکور در مقابل « اداره مادران و کودکان » برای امور مربوط بداره شیرخوارگاه و مزایایی که قانوناً باید مادران از آنها استفاده کنند مسئول می باشد.

بلاوه، کینههای مذکور کفرانس ها و مینتک های عمومی راجع بر رضوات مربوط به بهداشت مادران و کودکان تشکیل میدهند. جزوه ها و اوراقی را که بوسیله اداره مادران و کودکان چاپ شده است توزیع مینمایند. کینه ایالتی مراقبت مینمایند که هر مادری در موقع وضع حمل از طرف یک فرم نامه، یک نفر دکتر برستاری شود. کینه ایالتی گزارش های خود بداره مادران و کودکان میفرستد و زندگانی خود را که مأمور حضور در کفرانس سالیانه مسکومینا شده است بداره مدنی اطلاع میدهد. طبق قانون جدید هر طفلی که کمتر از سه سال داشته باشد و هر زن آستینی مستقیماً تحت مراقبت « اداره مادران و کودکان » قرار میگردد طفل که سه ساله شد مراقبت وی و عا بر عهده کسبیرای فرهنگ عمومی که تمام کودکان ها و تمام مدارس تابع آن هستند تحویل میگردد.

مؤسسات دیگر اداره مادران و کودکان بسیار و مهمترین آنها عبارت است از:

۱ - « خانههای کودکان » که شب و روز باز است تا از کودکانی که افتاقا می سرپرست مانده باشند بپرانی و برستاری کند. کودکان مذکور را تا وقتی که یک قانون خانوادگی برای آنها یافت شود در این خانهها نگاهداری مینمایند.

۲ - « بنگاههای » مطالعات روان شناسی که در آنجا کودکانی را که از لحاظ اخلاقی و دماغی اداری وضع منصوصی بفرود هستند تحت ممانیت و مطالعه قرار میدهند.

کسبیرای بهداشتی بهاری عمومی مخصوصاً بکنترل موالید توجه خاص دارد و یک کمیسیون بهین منظور تشکیل شده است عجلتاً کمیسیون مذکور بتعلبات اشاعه و امرز های صلی که از طرف مقامات صالحه و بوسیله اداره مادران و بزرگان داده میشود میپردازد. بکارگران و بزرگان نصیحت میکند که یک حدود معقول برای خانواده خویش در نظر بگیرند و از آن تجاوز نینمایند یا با میدهند که اگر سه یا چهار فرزند سالم بزرگ کنند که میان آنها پانزده کافی اختلاف من موجود باشد بطوری که مادرشان نتواند نوازی خود را ترمیم نماید و بتواند پانزده ای که ضروری است بر سرستی هر یک از آنها بپردازد بهتر از اینست که تابع تقابل طبیعی خویش بشوند.

# آگهی مزایده

هفت تن کرنات دوسود که نمونه آن در این اداره موجود است بطور مزایده بفروش میرسد طالین می توانند پیشنهاد خود را تا ۱۳۱۳ اسفندماه ۱۳۲۱ بهراه قیش میرسد به مبلغ دو هزار ریال که به صندوق اداره مرکزی کل گمرک پرداخت خواهند نمود بدفتر این اداره واقع در ابتدای خیابان فردوسی کوچه طیس خریا کت مرسته که روی آن قید شده باشد « راجع بزایده کرنات دوسود » تسلیم دارند.

پیشنهادات روز یکشنبه شانزدهم اسفند ماه ۱۳۲۱ ساعت ده در این اداره باز و خوانده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان آزاد و این اداره در وقت قبول پیشنهادت مختار است در صورت اسباب مزایده و امتناع از قبول آن مبلغ سیزده بود این اداره ضبط خواهد شد.

ش ۶۷ - ۳ - ۳ اداره حفاظت اموال اتباع بیگانه

# آگهی

باطلاع عموم میرساند چون واکنهاییکه برای حمل کالاهای مورد مصرف داخله کشور تخصیص داده شده تعداد آن محدود و طبق قانون تاسیس وزارت خوار بار واکنهای نامبرده برای حمل مواد خواربار و کالاهای انصاری وزارت نامبرده و اگدار میشود لذا حمل کالاهای متفرقه مثلن کیکه های بازرگانی و اشخاص منوط بوجوب نبودن کالاهای وزارت خوار بار است و از آنجاییکه همه روزه عده زیادی بیکه راه آهن مراجعه و تقاضای واگون برای حمل کالاهای متفرقه مینمایند لذا بدینوسیله مراتب به اطلاع عموم رسانیده و متذکر میگردد که مراجعه بیکه در تهران جز اتلاف وقت نتیجه دیگری ندارد صاحبان کالا برای بار های خود باید بنواشی راه آهن (دوسباری برای خط شمال در اهواز برای خط جنوب در اراک برای خط قم تا تو زود در تهران برای خطوط شاهرو در زمان مراجعه و تقاضای خود را کتبا بدهند تا هر موقع بارهای وزارت خواربار موجود باشد با رعایت نوبت اقدام بعمل شود.

و البته باید متوجه باشد که با توضیحات بالا وسایل برای حمل کالاهای متفرقه محدود و کافی برای تمام تقاضا هاست

ش ۵۸

۳ - ۳ بنگاه راه آهن دولتی ایران

# آگهی

برخ گوشت یکمکه اسفند ۱۳۲۱ بر حسب تصویب اجنن تامین خواربار قرار زیر است:

گوشت گوسفند مطلوب با استخوان یک کیلو ۳۰/۰۰ ریال

گوشت گاو با استخوان ۱۵/۲۰

ش ۷۷ - ۲ - ۱ شهرداری تهران

# چاپخانه فرهنگ

بجوب آئین نامه وصول مالیات مستغلات سر رسید پرداخت مالیات ششماهه دوم سال ۱۳۲۱ در آخر اسفندماه سال جاری پایان خواهد یافت اینک مراتب بدینوسیله اعلام میشود تا صاحبان مستغلات با توجه بمقررات موضوعه قبل از انقضاء سر رسید مذکور بدایره مالیات مستغلات واقع در نخیابان لاله زار کوی نکیسامواجه و در وارنر حساب مالیاتی ششماهه دوم سال جاری خود اقدام نمایند.

بدیهی است در صورت عدم انجام این تکلیف علاوه بر مالیات جریمه بوا بر روی مالیات تادیه شده نیز از متخلفین وصول خواهد شد.

ش ۷۶ - ۱ - ۱ - ۱ اداره مالیات مستغلات تهران

# قلب کانندی

ضعیف شده است

که هزاره برتغال بود سرکشید و موقع شب پنج ساعت نیم با کمال آرامش بخواب رفت . امروز روز سکوت وی است و ظاهر حال کانندی بهتر شده است لیکن قلبش ضعیف تر شده است . این اطلاق بطوریکه ضعیف و بیحالی بر او غالب آمد و نبض او کار افتاد . اندکی بعد آبی

بهبی - بر او اظهار خبر کرداری انگلیس دولت بیسی اطلاق زیر و اراجع بحالت مزاجی کانندی انتشار داده است . کانندی پس از یک روز آسایش و راحت از وی سلب شده بود شانزده ساعت مبتلا به جبران مزاجی و تبوع شدیدی گردید . بطوریکه ضعیف و بیحالی بر او غالب آمد و نبض او کار افتاد . اندکی بعد آبی

## جنگ ساعت بساعت

شدید تر میشود

ستونهای زره پوش شوروی مقاومت آلمان ها را در هم شکسته و سه هزار آلمانی را بهاک هلاکت انکندند . سپاهیان شوروی بطرف جلگه باختر اوکرون مشغول پیش رفت میباشند . ارتش سرخ از کراسنو کراد و یولو کراسد که در ۳۰ میلی خنیدگی رود دنیپر واقع است بنا کمال سرعت پیش نیروند برای اینکه تابع این رود ضعیف است و میشود از آن عبور کرد خود را باین رود برسانند . در حوزه دنیپر آلمانیها برای محاصره نیروهای خویش از محاصره با کمال سختی حمله متقابل نموده اطلاق امروز شوروی حاکمی است که بردهای خوینی در جنوب خاوری و ورشلیگراد و اطراف کراسنواوسکوبه ادامه دارد هارلد کینگ در ساعت ۱۵ اخیر داد که فرمانده آلمان در ناحیه دنیپر بحلات متقابل خویش افزوده و تیرد ها ساعت به ساعت شدید تر میشود .

هارلد کینگ خبرنگار منصوب خبرگزاری انگلیس از مسکو خبر میدهد که بردهای خوینی در ناحیه اول که سنگر جنوبی آلمانیها در جبهه شوروی میباشد ادامه دارد . تانکهای پیاده نظام شوروی خطوط دفاعی آلمانیها را از یک قطعه شکافته و تیرد های سختی برای تصرف یک مرکز مستحکم جریان یافت . حلات متقابل بی دریغی آلمانیها دفع شد و دشمن ناگزیر گردید عقب نشینی اختیار کند فرمانده نیروی آلمان نیروهای ذخیره وارد میدان نبرد نمود ولی سپاهیان آلمان کوزر فشار نیرو های شوروی بودند ناگزیر شدند بطرف شهر عقب نشینند . در باختر خارکف سپاهیان برگزیده آلمان با تانکهای خویش حمله متقابل نموده ولی تانکهای آنها منهدم شد در نبرد هائی که طی یست و چهار ساعت اخیر در گرفت

## حمله

### بهمین زودی آغاز خواهد شد

بمباران اروپا و غرق کشتیهای محور

لندن - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس دیشب آدوی مرائش اظهار داشت که نیرو های متفقین طی عملیات در تونس مواضع خوبی برای حمله بزرگ تدارک کرده اند و این حمله را بهمین زودی آغاز خواهند کرد . لندن - وزارت دریا داری انگلیس اعلامی می انتشار داد و طی آن اظهار داشت زیر دریائی های انگلیس طی عملیات خویش در دریای مدیترانه دو کشتی متوسط نهایت رسان دشمن را بطور قطع تباہ افکنند انگلیس با کمال شدت بربر ( ) حمله بردند . تمام اروپا ایست های مابراکز خود باز گشته . در ظرف چهار روز اخیر این سپهین

لندن - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس دیشب آدوی مرائش اظهار داشت که نیرو های متفقین طی عملیات در تونس مواضع خوبی برای حمله بزرگ تدارک کرده اند و این حمله را بهمین زودی آغاز خواهند کرد . لندن - وزارت دریا داری انگلیس اعلامی می انتشار داد و طی آن اظهار داشت زیر دریائی های انگلیس طی عملیات خویش در دریای مدیترانه دو کشتی متوسط نهایت رسان دشمن را بطور قطع تباہ افکنند انگلیس با کمال شدت بربر ( ) حمله بردند . تمام اروپا ایست های مابراکز خود باز گشته . در ظرف چهار روز اخیر این سپهین

# شکست تبلیغات

در لندن ایراد شد و همگی اراده نزلول نا پذیر ملت های انگلستان و امریکا را در اتحاد متفق دلبران شوروی ناید کردند و تبلیغ متقابل بر علیه گولیس برداشتند . بیجانی که در زمستان سال ۱۹۴۰ مردمان لندن را متوجه خطر بران کرده بود تا آنکه خود را نیز در شهرهای مسکو استالین گراد لنین گراد . نیز بشنید . ملل متفق در شرایط سنگینی با هم متصد شده اند اراده فولادین آنها زیر بسپا و کتوله های فاشیسم آیدیده شوش مستحکم گردید . آبانوک قلبی میتواند این اراده را که نتیجه جبری همین جنگ است در هم شکند . ما از لحاظ حوصله صلح ملی خود اولاً خواهان اجتنام سریع جنگیم و این آرزو جز با اتحاد مدعا میلیون ملل متفق امکان پذیر نخواهد بود . ثانیاً خواهان شکست دستگاه جنگی بزرگی هستیم که جنگ کنونی را بر دو میلیارد ساکنین جهان تحمیل ساخته و برای درک این مقصود نیز خواهان استحکام همین اتحادیه بیرومندهیم و مطمئناً که یاره سرباهای گولیس آتش کین ملت های آزادیخواه را بر علیه فاشیسم خاموش نخواهد کرد .

های به از جنگ بین متفقین ، امروزیش از پیش آشکار میشود . هدف گولیز از این جملعه هم شکست این بود که اولاً عناصری را در بین ملت های متفق شوروی بر علیه اتحادبا کشور اخیر ترفیع ساخته در جبهه اتحاد جنگی انگلستان - شوروی - امریکا خلی وارد آید ثانیاً طبقات حاکم کشورهای اروپا از ترس ، کلیه منابع خود را در اختیار محور قرار دهند و بدینوسیله با یک تیر کوهنشان موردهد واقف بود . غیر دالر بر بسج احتیالی سربازان فرانسه و همچنین اخبار دالر بر مقدمات بسج اروپا خود مؤید همین نظریه است اما باید داشت که تها ترس طبقات حاکم کافی است تا میلیونها کارگران و کشاورزان اسپر اروپا خود را بدامان محور پرتاب کنند . اولین مثنی که بردهان طوطیان شکر شکن برلن وارد آمدن جستی بود که برروز در سراسر امپراطوری انگلستان و دبروز در سراسر امریکایکسانست یست و پنجین سال تا بیس ارتش سرخ بر با بود . سخنرانیها بود که از طرف چندین وزیر

## آزاد ساختن

سی و پنج میلیون جریب زمین

«انریکو بگی» کشته شد

تروی شوروی جلوگیری نمایند . مسکو - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه اداره اطلاعات شوروی چنین اشماد میدارد روزیست و دوم فوریه نیروی شوروی طی عملیات در اوکرون شهر (نروستاون) را اشغال کرد و نیز مرکز ناحیه بولجایا یسارو کارا با چند قطعه مسکون دیگر تصرف در آورند در ناحیه کوبان سربازان سرخ مراکز نواحی (علسکایا) و (اختریسکایا) و (چرنووار کوسکایا) و چند قطعه دیگر را تصرف شدند در نواحی دیگر جبهه نیز واحد های نیروی مازروهای تفریحی خویش را در همان جهات پیشین ادامه دادند . طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس رادیوی رم اعلام میدارد (انریکو بگی) فرمانده کل نیروی هوایی ایتالیا در جبهه شوروی بایستکه خود باز نکشته است .

سپس استالین چنین اضافه نمود: من برای استعلاک مسکون شود از جنگ مهاجمین متغور امر میدهم . ۱ - در عملیات نظامی و تقویت انضباط و نظم و سازمان نهایت بهبودی عمل آید . ۲ - شکستهایی که بر سپاهیان دشمن وارد میآوریم شدید گردند خطوط ارتباطی دشمن و قوای مهاجمین محاصره شود و اگر از زمین گذاشتن اسلحه خود داری نایبند بکلی نابود گردند . ۳ - شراره آتش جنگ هوا خواهان شوروی در پشت خطوط دشمن شدید تر گردد . انجام این امور ضمن و پشتیبان پیروزی ماست . استالین حکم خود را با اظهار درود بسربازان ارتش سرخ و نیروی دریائی شوروی و هواخواهان شوروی و افراد حزب بلشویک خاتمه داده است حکم نامبرده از طرف (استالین) فرمانده کل قوای شوروی) امضا شده است .

# حکم استالین

مخصوصاً از لحاظ هوا و پیا و نانک نسبت بروسیه شوروی برتری داشت لکن -

اوضاع اکنون دگرگون شده است میزان تولید نانک و نوب و هواپیمای شوروی روزبوزدی گذاشته و دشمن از لحاظ نوب و نانک و هواپیمای تلفات سنگینی دیده است . تنها در مدت سه ماه قوای شوروی در زمستان ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ آلمانیها پیش از وقت هزار نانک و چهار هزار هوا هواپیمای و هنده هزار توپ از دست داده اند . ارتش سرخ از آغاز جنگ تا کنون از ۹ میلیون تن اسیر و سرباز آلمان سلب قدرت عملیات نموده و از این عدد چهار میلیون تن در ضمن رزم کشته شده اند ارتشهای رومانی و مجارستان و ایتالیا کاملاً دچار هزیمت و شکست شده اند . تنها طی سه ماه اخیر ارتش سرخ صد و نوزده لشکر دشمن را منلوب و پیش از قصد هزار تن را مقتول و سیصد هزار تن را اسیر نموده است . استالین توضیح داده که ارتش آلمان هنگامیکه با روسیه شوروی داخل دریاکرد گردید دو سال در جنگ تیریه اندوخته بود لکن همینکه ارتش سرخ بیگ ارتش

# شماره های روزنامه

تباستان مام مطابق پانز آنها باشد . در «آیا راست است» نوشته شده بود حسابداری اداره کل راه دوسوریتیکه اداره کل راه اصلا حسابداری مستقل ندارد در یکی از سرمقاله ها مربوط به جریان مجلس تذکر مرحوم دسکر ارانی نوشته شده بود «می نینگ» در هوای آزاده مثل اینکه سر قهرسالوی وجود داشت و در آنجا می نینگ در هوای مقید میشد . در یکی از عناوین اخبار خارجه نوشته شده بود حاتم طائی در دام ماهیگیران برلن . اولاً معلوم شد که برلن ماهیگیر تروانی دارد و ثانیاً کشف شد که حاتم طائی هنوز فوت نکرده و مانند ماهی قزل آلا یکتوق از ماهیهاست و اخیراً در دریایچه بران بدام ماهیگیران آن دیار افتاده است و غریه و غیبه

البته این قبیل اشتباهات در روزنامه پیش آنکه و «اترسانی» مانند رهبر نباید شود حتی ما از کارکنان هم آن توقع داریم که اگر هم اعیانادر خبرهای خارجه مترجم و ویلیامسلیمان را و ویلم شافن نوشته ، آنها متوجه شده و با خط در دست نام این بندر آلمانی را مسخ کنند . از آقای مصحح این روزنامه متوجهیم که روزنامه حزبی ما را خیلی شسته و رفته خوب غلط گیری شده در دست قلمه گذاری شده - باقم بندی زیبا تعویب ما بدهد در شوری که شخص هنگام خواندن مقالات رهبر دست میمده بخورد باین غلط ها مانند آنست که یک لیوان آب سرد از پشت پیچیدن آدم بریزند . . . ولی بعضی غلط ها مانند حاجی اقتصاد و یکتکه مطابق شنبه ، برای تفریح و خنده بسیار خوب است . نامه این انتقادها نشود از ذکر این حقیقت خودداری کرد که رهبر محترم ترین و بهترین روزنامه است امید است کارکنان آن در نبر خود مؤمن بشوند غلط های فاحش اجتماع را با مقالات آتشین خود تصحیح کنند .

ط - مهرگان

ما از رفیق حزبی خود که تا این اندازه روزنامه رهبر را بدقت میخواند بی نهایت متشربم و مخصوصاً انتقادها و بجای صحیحی که راجع باین روزنامه نموده است موجب مزید تحسینی و امتنان ما شد زیرا منتقد بیکی از بهترین و وسائل اصلاح همین نوع انتقاد است البته تا اندازه که امکان داشته باشد سعی میکنیم نکات قیمتی را که تذکر داده اند در نظر بگیریم و بر طبق آن روزنامه را روز بروز بهتر میجسترت کنیم

بیه از صفحه ۱ اخبار کشور

در سفارت شوروی بطوریکه قلا خیز داده بود پیروز بناسبت صادف با یست و پنجین سال تشکیل ارتش سرخ از طرف آقای رازین وابسته نظامی دولت اتحاد جماهیر شوروی در ایران از آقایان وزرا و معاونان ارتش و رؤسای ادارات و مدیران جراید دعوتی در عمارت شهری سفارت بعمل آمده بود و از طرف آقای سفیر کبیر و خانم ایشان و آقای وابسته نظامی از مدعوین مسیانه پذیرامی شد مجلس ضیافت ساعت شش بعد از ظهر خاتمه یافت

جو گیری از سلف فروتنی و همه معاملاتیکه موجب تکراری ارزاق است

دقت و کالت ایرج اسکندری

مه روزه از ساعت ۴ تا ۷ در عمارت ناله رهبر بلز است

چاپخانه فرهنگ خیابان رفائیل شماره ۱۰۲

آگهی

مطب مجانی حزب توده ایران

کارگر لازم است